



سیمای سوره ذاریات

این سوره شصت آیه دارد و در مکه نازل شده است. نام این سوره از اولین آیه آن گرفته شده است: «والذاریات ذرواً» و به معنای بادهای تندی است که اشیا را پراکنده می‌کند. آغاز و پایان این سوره با معاد است و مباحثی درباره‌ی توحید و نشانه‌های خداوند در هستی، داستان فرشتگانی که مهمان حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام شدند و به او بشارت فرزند دادند، اخطار به قلع و قمع قوم لوط و اشاره‌ای به داستان برخی پیامبران، همچون موسی و نوح و قوم عاد و ثمود، بیشترین آیات این سوره را در برمی‌گیرد.

قرآن با بیان تاریخ انبیای گذشته و سختی‌ها و مشکلات آنان در راه هدایت مردم، پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به صبر و استقامت دعوت می‌کند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا ﴿ ۲ ﴾ فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا ﴿ ۳ ﴾ فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا

سوگند به بادهایی که با شدت اشیا را پراکنده می‌کنند. پس به ابرهای
گران بار سوگند. پس به کشتی‌هایی که به آسانی در حرکتند سوگند.

﴿ ۴ ﴾ فَالْمُقْسِمَاتِ أَمْرًا ﴿ ۵ ﴾ إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَصَادِقٍ ﴿ ۶ ﴾ وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ

پس به فرشتگانی که کارها را تقسیم می‌کنند سوگند. که آنچه وعده
داده می‌شوید، قطعاً راست است. و حتماً (روز) جزا واقع‌شدنی است.

نکته‌ها:

- «ذاریات» جمع «ذاریة» به معنای بادهای شدید، از «ذرو» به معنای پاشیدن و پراکندن است. «وِقر» به معنای بار سنگین و مراد از آن در اینجا ابرهای پرباران می‌باشد. «جاریات» به معنای کشتی‌ها یا نه‌های روان است.
- بر اساس روایات، مراد از «ذاریات»، بادهای و مراد از «حاملات»، ابرها و مقصود از «جاریات»، کشتی‌ها و منظور از «مقسّمات»، فرشتگانی هستند که ارزاق را تقسیم می‌کنند.^(۱)
- «یُسْر»، ضد «عُسْر» و به معنای آسانی است. مراد از «الْجَارِيَاتِ يُسْرًا» کشتی‌هایی است که به آسانی و آرامی حرکت می‌کنند.
- بادهای که عامل حرکت کشتی‌ها و ابرها که مایه‌ی برکت زمین هستند، در این آیات مورد

۱. تفسیر نورالثقلین.

سوگند خداوند واقع شده‌اند.

حیات بشر، حیوانات و گیاهان در گرو باران است و بادهای در جابجا نمودن ابرها، تعدیل هوا و لقاح گیاهان نقش مهمی دارند.

□ نقش کشتی در زندگی گذشته و حال بشر بر کسی پوشیده نیست. وسیع‌ترین، ارزان‌ترین و کم‌حادثه‌ترین راه‌ها، راه‌های دریایی و سفر با کشتی است. زمانی نقش آن معلوم می‌شود که چند روزی کشتی‌های جهان متوقف شوند.

□ امام رضا (علیه السلام) فرمود: مراد از «المقسّمات امرأ» ملائکه‌ای هستند که هر روز ارزاق مردم را بین طلوع فجر تا طلوع خورشید تقسیم می‌کنند.^(۱)

□ در تقسیم ارزاق، به هر فرد و قبیله و منطقه‌ای، سهمی و چیزی داده می‌شود و چیز دیگری داده نمی‌شود، تا برای جبران کمبود، مسئله مشارکت، تعاون، رقابت، تجارت، حرکت و ابتکار راه بیفتد و هیچ فرد و قبیله‌ای، خود را از هر جهت بی‌نیاز نبیند و دست به طغیان نزند. آری تنگناها در کنار گشایش‌ها، به طور حکیمانه‌ای قرار گرفته است. «قرن بسعتها عقابیل فاقتها»^(۲)

□ توجّه به قدرت‌نمایی خداوند در باد و ابر و کشتی، پذیرفتن معاد را برای انسان آسان می‌کند. در آغاز این سوره با چهار سوگند بیایی، قطعی بودن وقوع قیامت بیان شده است.

□ حروف «انما» و «ان»، حرف «لام» در کلمات «لصادق» و «لواقع» و جمله اسمیه، همه نشانه‌ی تأکید هستند.

□ نمونه‌هایی از وعده‌های الهی که در دنیا محقق شده است:

خداوند به مادر موسی دستور داد که نوزادش را به آب افکند و به او فرمود: ما او را به تو برمی‌گردانیم و از پیامبرانش قرار می‌دهیم، «أنا رادوه اليك و جاعلوه من المرسلين»^(۳) این وعده بزرگ صورت پذیرفت.

خداوند به پیامبر اسلام وعده داد که تو را در برابر مسخره‌کنندگان کفایت می‌کنیم، «أنا

۱. من لایحضر، ج ۱، ص ۵۰۴.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۹۱.

۳. قصص، ۷.

كفيناك المستهزئين ﴿١﴾ وعده داد نام تو را بلند می‌گردانیم، ﴿و رفعنا لك ذكرك﴾ ﴿٢﴾ و به وعده‌های خود عمل کرد. خداوند، بارها پیروزی حق بر باطل و خوش عاقبتی اهل تقوا را وعده داده و به وعده‌اش عمل کرده است. نام امام حسین علیه السلام ماند و نام قاتلان او محو شد. □ کسانی که به وعده خود عمل نمی‌کنند یا عاجزند یا حيله‌گر و یا فراموشکار و ذات مقدّس الهی از تمام این عیب‌ها به دور است.

پیام‌ها:

- ۱- سوگند به پدیده‌های طبیعی همچون ابر و باد و باران، توجّه اسلام را به کشف قوانین هستی و تدبیر حاکم بر آنها در جهت خداشناسی نشان می‌دهد. ﴿و الذاریات... فالحمات... فالجاریات...﴾
- ۲- خداوند امور انسان را از طریق فرشتگان به انجام می‌رساند. ﴿والمقسمات امراً﴾
- ۳- قرآن، برای اعتلای فکر بشر، او را به محسوسات و غیر محسوسات، متوجّه می‌سازد. ﴿و الذاریات... و المقسمات امراً﴾
- ۴- در برابر تردید دیگران، باید با قاطعیّت و صلابت و صراحت از حق سخن گفت. ﴿انما توعدون لصادق﴾ (کلمه انّ و حرف لام، برای تأکید است)
- ۵- وعده معاد و سرانجام جهان، مستمر و پی در پی بوده است. ﴿توعدون﴾
- ۶- خداوندی که در هستی آن همه قدرت‌نمایی کرده است، از عمل به قولش عاجز نیست. ﴿انما توعدون لصادق﴾
- ۷- این همه اسباب طبیعی و غیر طبیعی، (باد و ابر و کشتی و فرشته)، تنها برای خوردن و مردن و نیست شدن نیست. ﴿و انّ الدین لواقع﴾
- ۸- خداوند، هم به وعده‌هایی که در دنیا داده عمل می‌کند و هم به وعده‌هایی که برای آخرت داده است. ﴿انما توعدون لصادق و ان الدین لواقع﴾

﴿ ۷ ﴾ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ ﴿ ۸ ﴾ إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ

سوگند به آسمان دارای راهها (و زیباییها)ی بسیار. به درستی که شما در گفتار گوناگون (سرگردان) هستید.

﴿ ۹ ﴾ يُؤْفِكُ عَنْهُ مِنَ الْفِكِّ

هر که از حق منحرف گشت، (در آینده نیز) به انحراف کشیده خواهد شد.

﴿ ۱۰ ﴾ قَتَلَ الْحَرَاضُونَ ﴿ ۱۱ ﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ

مرگ بر دروغ‌زنان (که بی‌دلیل و برهان درباره قرآن و قیامت سخن می‌گویند). آنان که در بی‌خبری و غفلت غرقند.

نکته‌ها:

- «حُبُك» جمع «حبیكه» و «حباك» به سه معنای راه، زینت و اعتدال آمده است که برای هر یک از معانی آن برای توصیف آسمان در قرآن شاهدهی وجود دارد:
 - ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ﴾^(۱) ما بالای سر شما هفت راه آفریدیم.
 - ﴿زِينَتًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ﴾^(۲) ما آسمان دنیا را با ستارگان، زینت دادیم.
 - ﴿وَالسَّمَاءِ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ﴾^(۳) آسمان را برافراشت و توازن برقرار کرد.
- «يُؤْفِكُ» از «افك» به معنای منحرف ساختن و به انحراف کشاندن است. لذا به دروغ که انحراف از حقیقت و مایه‌ی انحراف است، افک گویند.
- «حَرَاصُ» از «حَرَصُ»، به سخنی گفته می‌شود که پایه علمی ندارد و بر اساس گمان، تخمین و حدس است. «غمره» به آب فراوانی گفته می‌شود که عمق آن پیدا نباشد و مراد از آن در اینجا جهالت و نادانی عمیقی است که انسان را فراگیرد.
- عده‌ای کارشان شایعه‌سازی بر اساس حدس، پندار، القای بافته‌های خود به دیگران و

۱. مؤمنون، ۱۷.

۲. صافات، ۶.

۳. الرحمن، ۷.

ایجاد تردید در آنهاست. معمولاً شایعه را دشمن سفارش می‌دهد، منافقان تولید می‌کنند و افراد ساده لوح می‌پذیرند.

□ امام باقر علیه السلام در باره «يُؤْفِكُ عَنْهُ مَنْ أَفَكَ» فرمودند: کسی که از ولایت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله منحرف و سرپیچی کند، از بهشت بازخواهد ماند.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- کسی که اهل منطق نباشد، ثباتی نداشته و هر لحظه حرفی می‌زند. لذا راه مستقیم یکی است، ولی بیراهه زیاد. عقیده حق یکی است، ولی ناحق زیاد. «انکم لنی قول مختلف»
- ۲- مخالفان، درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سخنان مختلفی می‌گفتند، از قبیل: شاعر، کاذب، شاگرد دیگران، جادوگر، جادو شده، مجنون، کمک گیرنده از دیگران، بازگو کننده افکار و افسانه‌های پیشینیان و امثال آن. «انکم لنی قول مختلف»
- ۳- هر انحراف، لغزش و گناهی، زمینه‌ساز انحرافات، لغزش‌ها و گناهان دیگری است. «يُؤْفِكُ عَنْهُ مَنْ أَفَكَ»
- ۴- سخن گفتن بی دلیل و بی اساس و تکیه بر حدس و گمان، زمینه‌ی دریافت لعنت الهی است. «قتل الخراصون»
- ۵- نفرین و شعار مرده باد... شعاری قرآنی است. «قتل الخراصون»
- ۶- جامعه اسلامی باید با قاطعیت، افراد نااهل را طرد نماید. «قتل الخراصون»
- ۷- حدس و گمان و اشتباه، گاهی برای افراد پیدا می‌شود، لیکن خطر آنجاست که کار انسان، حدس زدن و عمر انسان در خطا و غفلت غرق باشد. «الخراصون... فی غمرة ساهون...» (تکیه‌گاه انسان باید علم و دانش باشد، نه حدس و گمان)
- ۸- کسی که در غفلت و اشتباه غرق شده و در دنیای حدس و خیال زندگی می‌کند، ارزش حیات و زندگی ندارد. «قتل الخراصون الذین هم فی غمرة ساهون»

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۲۲.

﴿۱۲﴾ یَسْئَلُونَ أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ ﴿۱۳﴾ يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ

می پرسند روز جزا چه وقت است. روزی است که آنها بر آتش سوزانده می شوند.

﴿۱۴﴾ دُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ

(به آنان گفته می شود): عذابتان را بچشید، این همان عذابی است که در باره آن عجله داشتید.

نکته‌ها:

- «فتنه» در اصل به معنای گداختن طلا و نقره در آتش برای جداسازی خالص از ناخالصی‌های آن است و در اینجا به معنای شدت عذاب کفار است.
- منکران، به انبیا می‌گفتند: ﴿فَأَتْنَا بِمَا تَعَدْنَا﴾^(۱) آن عذابی که خبر می‌دادی برای ما بیاور. در اینجا قرآن می‌فرماید: این همان عذابی است که آن را با عجله درخواست می‌کردید.
- سیمای دوزخیان منحرف:
- تناقض گویی می‌کنند، ﴿فِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ﴾ از حق روی می‌گردانند، ﴿يُؤْفِكُ عَنْهُ مِنَ الْفِكِّ﴾ در سهو و اشتباه غرق می‌شوند، ﴿فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ﴾ نظام فکری خود را بر حدس‌پات استوار می‌سازند، ﴿الْحُرَّاصُونَ﴾ پندارهای بی‌اساس و سؤالات نابجا دارند و در تحقق وعده‌های الهی شتاب می‌ورزند. ﴿يَسْئَلُونَ أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ﴾

پیام‌ها:

- ۱- پرسیدن برای فهمیدن، مانعی ندارد، اما اگر برای بهانه‌جویی و انکار حقیقت باشد، قابل توبیخ است. ﴿يَسْئَلُونَ﴾
- ۲- ندانستن جزئیات، دلیل نپذیرفتن اصول نیست. گروهی به خاطر ندانستن زمان قیامت، از پذیرفتن اصل معاد سر باز می‌زنند. ﴿يَسْئَلُونَ أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ﴾
- ۳- با کسانی که در صدد انکار حقایقند، باید با قاطعیت برخورد کرد. ﴿يَوْمَ هُمْ عَلَى

۱. اعراف، ۷۰ و هود، ۳۲.

النار یفتنون ﴿

۴- کیفر قیامت، ساخته دست خود انسان است. ﴿ذوقوا فنتنکم﴾

۵- کفار، با آتش عذاب جسمی می‌شوند و با خطاب «ذوقوا» عذاب روحی.

﴿النار - ذوقوا﴾

﴿۱۵﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿۱۶﴾ آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ
إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ

همانا اهل تقوا در باغها و (کنار) چشمه‌ها (جای دارند و) آنچه را پروردگارشان
به آنان عطا کند، دریافت می‌دارند، آنان قبل از آن (در دنیا) نیکوکار بودند.

﴿۱۷﴾ كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ ﴿۱۸﴾ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ
يَسْتَغْفِرُونَ ﴿۱۹﴾ وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ

(برنامه‌شان این بود که) اندکی از شب را می‌خوابیدند. و در سحرگاهان،
استغفار می‌کردند. و در اموالشان، برای سائل و محروم حقی بود.

نکته‌ها:

□ «یهجعون» از «هجوع» به معنای خواب شبانه است.

□ آیه ۱۷ دو گونه معنا می‌شود: یکی آنکه متقین، بیشتر شب را بیدارند و اندکی از آن را
می‌خوابند، دیگر آنکه متقین، بیشتر شب‌ها به عبادت برمی‌خیزند و کم است شب‌هایی که
آنها تماماً در خواب باشند و برای عبادت برنخیزند. چنانکه در روایتی از امام صادق علیه السلام
درباره «کانوا قلیلاً من الیل ما یهجعون» پرسیدند، فرمود: شب‌های کمی اتفاق می‌افتد که
آنان بخوابند و در آن قیامی (برای عبادت) نداشته باشند.^(۱)

□ امام صادق علیه السلام فرمود: برترین زمان برای دعا، وقت سحر است. چون خداوند فرموده

۱. کافی، ج ۳، ص ۴۴۶.

است: ﴿و بالاسحار هم یستغفرون﴾^(۱)

□ امام صادق علیه السلام درباره ﴿و بالاسحار هم یستغفرون﴾ فرمود: مراد، هفتاد مرتبه استغفار کردن در نماز و تر نماز شب است.^(۲)

□ امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: مراد از محروم در آیه، کسی است که مشکل عقلی ندارد ولی رزق او توسعه نیافته است. «لیس بعقله بأس و لم یبسط له فی الرزق»^(۳)
گویا این حدیث، پاسخ کسانی است که گمان می‌کنند رزق وسیع آنان به خاطر علم و تدبیر و زرنگی و تخصص و عقلشان است، لذا امام فرمود: افراد عاقلی هستند که علی‌رغم تلاش و کوشش، باز هم چرخ زندگی آنان نمی‌چرخد.

پیام‌ها:

- ۱- برای هدایت و ارشاد مردم، باید عنصر تشویق و تهدید بهم پیوسته باشد.
﴿ذوقوا فنتنکم... انّ المتقین فی جنّات...﴾
- ۲- برای تقوا پیشگان، نه یک باغ و چشمه، که باغ‌ها و چشمه‌های با عظمتی است. ﴿جنّاتٍ و عیونٍ﴾ (تنوین نشانه عظمت است)
- ۳- چشم پوشی از لذت‌های فانی و زودگذر، کامیابی دائمی را به همراه دارد. ﴿انّ المتقین فی جنّات... آخذین...﴾
- ۴- علاوه بر چشمه‌ها و باغ‌ها، بهشتیان هر لحظه از طرف پروردگار، نعمت تازه‌ای دریافت می‌کنند. ﴿آخذین ما آتاهم ربّهم﴾
- ۵- آنچه به بهشتیان عطا می‌شود، در شأن ربوبیت خداوند است. ﴿آتاهم ربّهم﴾
- ۶- عطاهای بهشتی را، ذات مقدّس خداوند به متّقین می‌دهد. ﴿آتاهم ربّهم﴾ (نظیر آیه ۲۱ سوره انسان که می‌فرماید: ﴿سقاهم ربّهم﴾ خدا آنان را سیراب می‌کند.)
- ۷- آن کس که در این دنیا رنج نبرد، به گنج جاودان آخرت نخواهد رسید. ﴿انهم کانوا قبل ذلک محسنین﴾ آری برداشت آخرت نتیجه کشت دنیوی است.

۱. مستدرک، ج ۵، ص ۲۰۰. ۲. تهذیب، ج ۲، ص ۱۳۰. ۳. کافی، ج ۳، ص ۵۰۰.

- ۸- لازمهی تقوا، احسان و نیکوکاری است. ﴿الْمُتَّقِينَ... محسنین﴾
- ۹- پاداش الهی، با عملکرد انسان همگون است. پاداش نیکی به دیگران در امروز سبب دریافت نیکی در فرداست. ﴿آخذین... محسنین﴾
- ۱۰- نیکوکاری باید سیره دائمی انسان باشد. ﴿کانوا... محسنین﴾
- ۱۱- شب زنده‌داری، از نشانه‌های متقین است. ﴿قلیلاً من الّیل ما یهجعون﴾
- ۱۲- نماز و نیایش در شب و استغفار در سحر، کار دائمی متقین است. ﴿یهجعون، یستغفرون﴾ (فعل مضارع نشانه تداوم و استمرار است)
- ۱۳- همه انسان‌ها حتی متقین در معرض لغزش هستند و به استغفار نیاز دارند. ﴿المتقین... هم یستغفرون﴾ (آمدن کلمه «هم» یعنی اهل تقوا با داشتن تقوا باز هم دائماً استغفار می‌کنند.)
- ۱۴- در تهجد و سحرخیزی، از میان تمام اذکار و دعاها، استغفار جایگاه ویژه‌ای دارد. ﴿و بالاسحار هم یستغفرون﴾
- ۱۵- استغفار در سحر، اوج عبادت است. ﴿و بالاسحار هم یستغفرون﴾
- ۱۶- اسلام مکتب جامعی است و عبادت در شب را با خدمت به محرومان در کنار هم قرار داده است. ﴿و بالاسحار هم یستغفرون و فی اموالهم...﴾
- ۱۷- گروهی از مردم، محروماند اما سؤال نمی‌کنند، باید به آنان نیز توجه شود. ﴿للسائل والمحروم﴾
- ۱۸- کمکی که به سائل و محروم می‌کنید، حق خودشان را می‌دهید، زیرا خداوند در اموال مردم حقی برای آنان قرار داده است، پس بر آنان منت نگذارید. ﴿حق للسائل و المحروم﴾
- ۱۹- نباید منتظر ماند تا محرومان سؤال خود را مطرح کنند و بعد ما اقدام کنیم، باید آبرو و حرمت افراد حفظ شود. ﴿و فی اموالهم حق... المحروم﴾
- ۲۰- لازمهی تقوا، فقر و ناداری نیست و می‌توان متقی ثروتمند بود. زیرا قرآن می‌فرماید: در اموال آنان، حقی برای محرومان است. پس آنان باید به قدری

درآمد و ثروت داشته باشند که علاوه بر تأمین نیازهای زندگی خود، به دیگران نیز کمک کنند. ﴿المتقین... فی اموالهم حق للسائل و المحروم﴾

﴿۲۰﴾ وَ فِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ ﴿۲۱﴾ وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿۲۲﴾ وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ

و در زمین برای اهل یقین، نشانه‌هایی است. و در (آفرینش) خودتان (نیز) نشانه‌هایی از قدرت، عظمت و حکمت الهی است. پس چرا (به چشم بصیرت) نمی‌نگرید؟ و (تقدیر و تدبیر) رزق شما و آنچه وعده داده می‌شوید، در آسمان و عالم بالاست.

﴿۲۳﴾ فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنْكُمْ تُنطِقُونَ

پس به پروردگار آسمان و زمین سوگند، این سخن ما حق است همچنان که شما سخن می‌گویید. (همان طور که در سخن گفتن خود شک نمی‌کنید، در گفته‌های ما نیز شک نکنید.)

نکته‌ها:

□ قرآن، شرط هدایت شدن و به یقین رسیدن از طریق آیات طبیعت و کتاب شریعت را، دل آماده می‌داند: ﴿آیات للموقنین﴾، ﴿لقوم یسمعون﴾^(۱)، ﴿لقوم یتفکرون﴾^(۲)، ﴿لقوم یعقلون﴾^(۳)، ﴿لکل صبار شکور﴾^(۴)، ﴿لقوم یؤمنون﴾^(۵)، ﴿لاولی النهی﴾^(۶)، ﴿لآیات للمتوسمین﴾^(۷)، ﴿لآیات للعالمین﴾^(۸) و ﴿هدی للمتقین﴾^(۹).

□ در آفرینش زمین و انسان نکات بسیاری نهفته است از جمله:

حجم زمین، مساحت و عمق آن، کوه‌ها و دره‌ها، فاصله آن با خورشید و کرات دیگر، حرکات

۱. یونس، ۶۷.	۲. رعد، ۳.	۳. رعد، ۴.
۴. ابراهیم، ۵.	۵. نحل، ۷۹.	۶. طه، ۱۲۸.
۷. حجر، ۷۵.	۸. روم، ۲۲.	۹. بقره، ۲.

گوناگون زمین، معادن پیدا و ناپیدا، روئیدنی‌ها، آب‌های ذخیره شده، رنگ‌ها، سنگ‌ها، خاک‌ها، میوه‌ها، گیاهان، تصفیه‌کنندگی زمین، تأمین‌کننده تمام نیازهای ساکنان آن و دارا بودن مواد غذایی برای تغذیه همه حیوانات و انسان‌ها، که برای طالبان یقین نشانه‌های قدرت و حکمت خداوند است.

حالات مختلف بدن، از نطفه تا مراحل بعد، نشانه قدرت اوست. غرایز گوناگون انسان نشانه حکمت و علم او به نیازهای انسان است.

هماهنگی میان حواس بدن و عدم اصطکاک آنها با یکدیگر، نظام استخوان‌بندی و اعصاب، دستگاه تنفس، دستگاه گوارش، دستگاه بینایی و شنوایی، نظام دفاعی، همه و همه نشانه‌هایی از خداوند قادر متعال است.

□ حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: خداوند تو را شنوا و بینا آفرید، هم شاد می‌شوی و هم غضبناک، هم گرسنگی را احساس می‌کنی و هم سیری را.^(۱)

□ مردم به خاطر ضعف ایمان به مقدر بودن رزق، گرفتار گناه، سرقت، کم‌فروشی، حرص، بخل و انواع خلافتکاری‌ها می‌شوند.

□ نزول رزق، با حساب و کتاب دقیق است، «عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم»^(۲) اصل و سرچشمه نزد ماست و ما جز به مقدار معلوم، فرو نمی‌فرستیم.

□ آیه «فی السماء رزقکم و ما توعدون» را چند نوع می‌توان معنا کرد:

الف. مراد باران باشد که از آسمان نازل می‌شود و همچنین نور و ابر و باد و...

ب. مراد آن باشد که تقدیر امور زمینیان در آسمان‌هاست.

ج. رزق ابدی که بهشت است در آسمان‌هاست.

د. تحقق وعده‌های الهی (نزول رحمت یا عذاب) از سمت آسمان است.^(۳)

□ «مثل ما انکم تنطقون» یعنی همان اندازه که سخن گفتن شما برایتان محسوس است و واقعیت دارد، وعده‌های الهی نیز همین گونه است، پس در آنها شک نکنید.

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. حجر، ۲۱.

۳. تفسیر راهنما.

پیام‌ها:

- ۱- نشانه‌های قدرت و حکمت الهی در زمین، همراه با پیشرفت علم و کشف اسرار طبیعت، روز به روز آشکارتر می‌شود. ﴿و فی الارض آیات...﴾
- ۲- آیات و نشانه‌های الهی در زمین، بسیار زیاد و قابل توجه است. ﴿و فی الارض آیات﴾ (کلمه «آیات» جمع و نکره آمده که بیانگر تعدد و عظمت است).
- ۳- خداشناسی، باید بر اساس یقین و بصیرت باشد. ﴿و فی الارض آیات للموقنین﴾
- ۴- تا روحیه باور در انسان نباشد، نعمت‌ها نشانه خداوند شمرده نمی‌شود. ﴿آیات للموقنین﴾
- ۵- مطالعه طبیعت، راه تقویت ایمان و باور توحیدی است. ﴿آیات للموقنین﴾
- ۶- وجود انسان به قدری با عظمت است که خداوند آن را هم ردیف کره زمین قرار داده است. ﴿فی الارض... فی أنفسکم﴾
- ۷- خودشناسی، راه خداشناسی است. ﴿آیات للموقنین... فی أنفسکم﴾
- ۸- مشکل اساسی کفار و بی‌دینان، سطحی‌نگری آنان است و خداوند آنان را از این جهت مورد توبیخ قرار می‌دهد. ﴿أفلا تبصرون﴾ (بصیرت، به معنای نگاه عمیق و دقیق است)
- ۹- نگاهی که همراه با بصیرت نباشد، قابل توبیخ و سرزنش است. ﴿أفلا تبصرون﴾
- ۱۰- سرچشمه‌ی رزق، در آسمان است. (باران، نور، باد، ابر و هوا و...) ﴿و فی السماء رزقکم﴾
- ۱۱- هرگونه خیر و برکت یا قهر و عذاب الهی، به عنوان پاداش یا کیفر از آسمان نازل می‌گردد. ﴿فی السماء... ما توعدون﴾
- ۱۲- آسمان و زمین، تحت ربوبیت و تدبیر الهی در مسیر کمال است. ﴿فورب السماء و الارض﴾
- ۱۳- تأمین و تقدیر روزی زمینیان در آسمان‌ها، نمودی از ربوبیت گسترده خداوند در آسمان و زمین است. ﴿فورب السماء و الارض﴾

۱۴- قدرت نطق و سخن گفتن، از مواهب ویژه پروردگار به انسان است که خداوند برای حقیقی بودن سخن و وعده‌ی خود، به سخن گفتن بشر مثل می‌زند. «انه لِحَقِّ مِثْلِ مَا انْكُمْ تَنْطِقُونَ»

﴿ ۲۴ ﴾ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ﴿ ۲۵ ﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ
فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ

آیا داستان میهمانان گرامی ابراهیم به تو رسیده است؟ آنگاه که بر او وارد شدند و سلام گفتند. (ابراهیم در پاسخ) گفت: سلام، شما را نمی‌شناسم.

﴿ ۲۶ ﴾ فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ ﴿ ۲۷ ﴾ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ
أَلَا تَأْكُلُونَ

پس پنهانی به سراغ خانواده خود رفت و گوساله فربه (و بریان شده‌ای) را آورد. پس غذا را نزدیک میهمانان گذارد، (ولی با تعجب دید دست به سوی غذا نمی‌برند)، گفت: چرا نمی‌خورید؟!

نکته‌ها:

- «راغ» به معنای آن است که انسان به گونه‌ای از حضور حاضران بیرون برود که نفهمند برای چه کاری می‌رود.
- گروهی از فرشتگان برای بشارت تولد فرزند، به خانه حضرت ابراهیم وارد شدند. اما آن حضرت آنان را نشناخت ولی با این حال به خانه دعوت کرد و اسباب پذیرایی را فراهم نمود. اما چون دید که غذا نمی‌خورند، نگران شد و دلیل آن را پرسید و آنان خود را معرفی کردند.
- در مواردی، فرشتگان به شکل انسان ظاهر شده‌اند که نمونه‌هایی از آن در قرآن آمده است، همچون: نزول جبرئیل بر حضرت مریم^(۱)، حضور هاروت و ماروت در حکومت

۱. مریم، ۱۷.

سلیمان^(۱) و نزول فرشتگان بر حضرت ابراهیم^(۲).

آداب مهمانی

- از این آیات و آیات پس از آن، برخی آداب مهمانی به دست می‌آید که به آن اشاره می‌کنیم:
۱. مهمان، محترم است. ﴿ضیف... المکرمین﴾
 ۲. مهمان، وقتی وارد شد، سلام کند. ﴿قالوا سلاماً﴾
 ۳. جواب سلام او لازم است. ﴿قال سلام﴾
 ۴. صاحب خانه دور از چشم مهمان به سراغ تهیه غذا برود. ﴿فراغ﴾
 ۵. غذا را در خانه و به کمک خانواده تهیه کنیم. ﴿الی أهله﴾
 ۶. پذیرایی سریع باشد. ﴿فجاء﴾ (حرف «فاء» نشانه سرعت و زمانی کوتاه است)
 ۷. بهترین غذاها فراهم شود. ﴿بعجل سمین﴾
 ۸. مهمان را نزد سفره نبریم، بلکه سفره را نزد مهمان بیاندازیم. ﴿فقربه الیهم﴾
 ۹. از مهمان نپرسیم که غذا خورده‌ای یا نه. ﴿فراغ الی أهله فجاء﴾ (حضرت ابراهیم بدون پرسش به سراغ خانواده و تهیه غذا رفت)
 ۱۰. شخصاً از مهمان پذیرایی کنیم. ﴿فجاء﴾ (خود حضرت غذا آورد)
 ۱۱. غذا در دسترس مهمان باشد. ﴿فقربه الیهم﴾
 ۱۲. مهمان غذا را بپذیرد و میل کند، که صاحب خانه دغدغه نداشته باشد. ﴿الا تأکلون﴾
 ۱۳. اول پذیرایی، بعد گفتگو. ﴿فجاء بعجل سمین...﴾ بعد پرسیدند: ﴿فما خطبکم أئها المرسلون﴾
 ۱۴. اگر مهمان خبر تلخ و شیرینی دارد، اول خبر شیرین و سپس تلخ را عنوان کند. ﴿بشروه... ارسلنا الی قوم مجرمین﴾ (ابتدا بشارت فرزند سپس نزول عذاب بر مجرمان)

پیام‌ها:

- ۱- سرگذشت ابراهیم و مهمانان او شایان شنیدن و آموختن است. ﴿هل اتاک﴾
- ۲- در ارشاد و هدایت، هم از شیوه تمثیل استفاده کنیم و هم از شیوه داستان. ﴿مثل

۱. بقره، ۱۰۲.

۲. ذاریات، ۲۵.

انکم تنطقون هل اتاك حديث... ﴿

۳- مهمانی، یک ارزش و گرامی داشتن مهمان، سیره‌ی ابراهیمی است. ﴿ضیف ابراهیم المکرمین﴾

۴- در سلام کردن، همه‌ی واردان سلام کنند نه بعضی. ﴿فقالوا سلاماً﴾

۵- سلام کردن، باید سریع و بلافاصله پس از ملاقات باشد. ﴿فقالوا﴾ (حرف «فاء» نشانه سرعت و زمانی کوتاه است)

۶- آغاز سخن با سلام، یک ادب آسمانی حتی میان فرشتگان است. ﴿فقالوا سلاماً﴾

۷- سلام دیگران را پاسخ دهیم گرچه ناشناس باشند. ﴿قال سلام قوم منکرون﴾

۸- مهمان گرامی است، گرچه ناشناس باشد. ﴿ضیف... المکرمین... قوم منکرون﴾

۹- علم حضرت ابراهیم پیامبر، محدود بود. ﴿قوم منکرون﴾ (مهمانان را نشناخت)

۱۰- از مهمانان ناشناس نیز پذیرایی کنیم. ﴿قوم منکرون فراغ الی اهله...﴾

۱۱- آشپزخانه نباید در معرض دید مهمان باشد. ﴿فراغ الی اهله فجاء...﴾

۱۲- زن و مرد در تهیه غذا و پذیرایی از مهمان، مشارکت کنند. ﴿فراغ الی اهله فجاء﴾

۱۳- میزبان باید نسبت به پذیرایی از میهمان و حالات او حساس باشد. ﴿فقربه

الیهم قال ألا تأکلون﴾

۱۴- فرشته حتی اگر به صورت انسان درآید، غذا نمی خورد. ﴿قال ألا تأکلون﴾

﴿ ۲۸ ﴾ فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ

پس ابراهیم از (غذا نخوردن) مهمانان در درون خود احساس ترس کرد، آنان به او گفتند: نترس (ما فرشتگان الهی هستیم) و آنگاه او را به نوجوانی دانا بشارت دادند.

﴿ ۲۹ ﴾ فَأَقْبَلَتْ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ

پس همسر ابراهیم (با شنیدن مژده فرزندی) فریادکنان پیش آمد و به صورت خود زد و گفت: پیرزنی نازا (چگونه صاحب فرزند شود)؟!

﴿۳۰﴾ قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ

(فرشتگان به ابراهیم گفتند: پروردگار تو این‌گونه گفته و البته او حکیم و داناست.)

نکته‌ها:

□ «أوجس» از «ایحاس» به معنای احساس امری در درون است. «خيفة» از «خوف» به معنای ترس است و تنوین آن، تنويع و برای بیان نوع است، یعنی نوعی ترس ابراهیم را فراگرفت. «صرة» در اینجا به معنای داد و فریاد است. «صک» به معنای ضربه محکم و سیلی، «عجوز» به معنای عاجز و پیر و «عقیم» به معنای نازا است.

□ ساره، همسر اول حضرت ابراهیم نازا بود و لذا ابراهیم، هاجر را به همسری گرفت. اما خداوند به هنگام پیری این زن، بشارت فرزند به او می‌دهد و او که پذیرش چنین امری برایش مشکل است، ناله و فریاد بر می‌آورد که من در جوانی نازا بودم، اکنون که پیر شده‌ام و به طور طبیعی هیچ زمینه‌ای برای فرزنددار شدنم نیست، چگونه فرزنددار شوم؟! □ این آیات مربوط به فرزنددار شدن حضرت ابراهیم از طریق ساره و منظور از «غلام علیم» اسحاق است. البته در آیه ۱۰۱ سوره صافات، بشارت تولد اسماعیل از طریق هاجر، با تعبیر «غلام حلیم» آمده است.

□ آن ترسی مورد انتقاد است که ترس از دشمن و در جبهه‌گیری مقابل کفر باشد وگرنه ترس و نگرانی طبیعی که برای هر انسانی به طور ناخود آگاه پیدا می‌شود، برای انبیا عیب نیست.

پیام‌ها:

- ۱- روحیات و رفتار خوشایند و ناخوشایند مهمان باید مورد توجه میزبان باشد. ﴿فاوجس منهم خيفة﴾
- ۲- انبیا از جنس بشر بوده‌اند و مثل سایر مردم گاهی ترس و نگرانی‌هایی پیدا می‌کردند. ﴿فاوجس منهم خيفة﴾ (نخوردن غذا نشانه به اصطلاح نمک‌گیر نشدن و نوعی دشمنی است)
- ۳- هر رفتار و حرکتی هرچند ساده و کم اهمیت (همچون غذا نخوردن)، اگر

- موجب نگرانی دیگران شود، باید به نوعی جبران شود تا نگرانی برطرف گردد. ﴿أَلَا تَأْكُلُونَ - فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً - لَاتَخَفْ وَبَشِّرْهُ﴾
- ۴- کمال فرزند، به علم و دانش است. ﴿بِغْلَامٍ عَلِيمٍ﴾
- ۵- انبیا، گاهی از طریق فرشتگان از آینده با خبر می شدند. ﴿بَشِّرْهُ بِغْلَامٍ عَلِيمٍ﴾
- ۶- زن، موجودی احساسی و عاطفی است و در مقابل آنچه می شنود معمولاً خیلی زود عکس العمل نشان می دهد. ﴿فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ﴾
- ۷- مرد نباید مانع بروز احساسات طبیعی زن شود. ﴿فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ﴾ (حضرت ابراهیم مانع ابراز احساسات همسرش نشد)
- ۸- قدرت خداوند محدودیت ندارد. از پیرمرد و پیرزنی نازا، فرزندی با استعداد به دنیا می آورد. ﴿بِغْلَامٍ عَلِيمٍ... عَجُوزٍ عَقِيمٍ﴾
- ۹- اراده خداوند، بر عوامل طبیعی حاکم است. ﴿قَالُوا كَذَلِكَ...﴾
- ۱۰- دادن ها و ندادن های الهی، همه عالمانه و حکیمانه است. ﴿إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ﴾ (خداوند در جوانی به ابراهیم و همسرش فرزند نمی دهد و در پیری، پسری می دهد که پیامبر می شود.)

جزء ﴿۲۷﴾

﴿۳۱﴾ قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿۳۲﴾ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ

مُجْرِمِينَ ﴿۳۳﴾ لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن طِينٍ

(ابراهیم) گفت: پس ای فرستادگان، کاری که به دنبال آن آمده‌اید چیست؟ گفتند: ما به سوی قومی ستم‌پیشه فرستاده شده‌ایم. تا (برای هلاکتشان) سنگ‌هایی از گل بر آنان فروریزیم.

﴿۳۴﴾ مُسَوِّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ ﴿۳۵﴾ فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِّنَ

الْمُؤْمِنِينَ ﴿۳۶﴾ فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ

(سنگ‌هایی که) نزد پروردگارت برای (نابودی) مسرفان، نشان‌دار شده‌اند. پس هر کس از مؤمنان که در آنجا بود بیرون کردیم و از مسلمانان به جز یک خانه در آنجا نیافتیم.

﴿۳۷﴾ وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

و در آن (دیوار چیزی باقی نگذاشتیم و تنها) برای کسانی که از عذاب دردناک می‌ترسند، نشانه‌ای (برای عبرت) قرار دادیم.

نکته‌ها:

- «خَطْب» کار مهمی است که شخص به دنبال انجام آن است و «مَسَوِّمَةً» یعنی نشان‌دار.
- حضرت لوط از بستگان حضرت ابراهیم و در زمان آن حضرت در منطقه سدوم در اردن به تبلیغ مردم مشغول بود. قوم او اهل فحشا و لواط بودند و به هشدارهای حضرت لوط گوش ندادند. خداوند منطقه آنان را زیر و رو کرد. داستان این قوم در سوره‌های اعراف، هود، حجر و عنکبوت نیز آمده است.
- سلسله مراتب باید مراعات شود. حضرت ابراهیم پیامبر اولوالعزم زمان خود بود و لذا در

مسئله‌ی هلاکت قوم لوط، ابتدا فرشتگان به محضر ابراهیم می‌آیند و مأموریت خود را می‌گویند و سپس نزد حضرت لوط می‌روند.

□ قهر و عذاب الهی به وسیله سنگباران ﴿حجارة من طین﴾، علاوه بر قوم لوط بر اصحاب فیل نیز فرود آمده است. ﴿ترمیمهم بحجارة من سجيل﴾^(۱) اصحاب فیل به حریم خانه‌ی خدا (کعبه) سوء قصد داشتند و قوم لوط به حریم خانه‌ی نبوت (حضرت لوط) سوء قصد کردند و می‌خواستند به مهمانان آن حضرت تجاوز نمایند که هر دو هلاک شدند.

□ برای یاری حضرت لوط، فرشتگان با سنگ‌های نشان‌دار آمدند و برای یاری پیامبر اسلام در جنگ بدر، فرشتگان نشان‌دار آمدند. ﴿یددکم ربکم بخمسة آلاف من الملائكة مسومین﴾^(۲)

□ مسلمان، تنها نام امت پیامبر اسلام نیست، بلکه به هرکس که تسلیم خداوند و پیرو ادیان آسمانی باشد، مسلمان گفته می‌شود. ﴿من المسلمین﴾

پیام‌ها:

- ۱- پرسیدن عیب نیست، انبیا هم آنچه را نمی‌دانستند، می‌پرسیدند. ﴿ما خطبکم...﴾
- ۲- کیفر مجرمان، تنها در آخرت نیست. ﴿أرسلنا الی قوم مجرمین﴾
- ۳- گاهی مأمور کیفر مجرمان در دنیا نیز فرشتگان هستند. ﴿لنرسل علیهم حجارة من طین﴾
- ۴- در قهر یا مهر الهی، همه چیز حساب و نشان دارد. ﴿مسومة عند ربك﴾
- ۵- ایمان، کلید نجات است. ﴿فاخرجنا من کان فیها من المؤمنین﴾
- ۶- اگر در منطقه‌ای فقط یک خانواده مسلمان باشد، باید به آنان توجه شود. ﴿غیر

بیت من المسلمین﴾

- ۷- گرچه جامعه فاسد، بستر فساد را فراهم می‌کند، اما انسان را مجبور به فساد نمی‌کند و می‌توان در منطقه فاسد، خانواده سالم داشت. ﴿غیر بیت من المسلمین﴾
- ۸- گاهی فساد به قدری فراگیر می‌شود که پیامبر عزیزی مثل حضرت لوط، تنها

۱. فیل، ۴.

۲. آل عمران، ۱۲۵.

- یک خانواده طرفدار دارد، «غیر بیت من المسلمین» آن هم نه تمام خانواده، بلکه خانواده بدون همسر. «فانجیناه و اهله الا امرأته»^(۱)
- ۹- هم نعمت‌های الهی آیه و نشانه هستند و هم قهر الهی. «و ترکنا فیها آیه»
- ۱۰- کسانی از حوادث تلخ عبرت می‌گیرند، که از عذاب قیامت، خوف داشته باشند. «آیه للذین یخافون العذاب»
- ۱۱- خوف دائمی از عذاب الهی، یک ارزش است. «یخافون العذاب الالیم»

﴿ ۳۸ ﴾ وَ فِی مُوسَىٰ إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِینٍ
﴿ ۳۹ ﴾ فَتَوَلَّىٰ بِرُكْنِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ

و در (سرگذشت) موسی (نیز نشانه و عبرتی است)، آنگاه که او را همراه با حجّتی روشن و آشکار به سوی فرعون فرستادیم. پس فرعون با تکیه بر قدرت و سپاهی که داشت، روی برگرداند و گفت: او یا جادوگر است یا جن‌زده.

﴿ ۴۰ ﴾ فَأَخَذْنَاهُ وَجُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِی الْیَمِّ وَهُوَ مُلِمٌ

پس ما او و سپاهیانش را (به قهر) گرفتیم و آنان را در دریا افکندیم، در حالی که او سزاوار سرزنش بود.

نکته‌ها:

- مراد از «سلطان مبین»، دلیل و برهان روشنی است که بتوان با دیگران احتجاج کرد و از راه منطقی، حجّت خود را ارائه داد.
- «نبذ» به معنای پرتاب چیزهای حقیر و ناچیز است، «ملیم» از «لوم» و «ملامت» به کسی گفته می‌شود که در خور سرزنش باشد.
- مقصود از «رُکنه»، قدرت، لشکر، ثروت، سابقه و تبلیغات فرعون است. یعنی فرعون با اتکا به قدرت خود، به مبارزه با موسی پرداخت و از پذیرش دعوت او سر باز زد.

پیام‌ها:

- ۱- در تاریخ انبیا، عبرت‌های فراوانی است. ﴿و فی موسی﴾
- ۲- برای اصلاح جامعه، باید به سراغ سرچشمه‌ها رفت. ﴿أرسلناه الی فرعون﴾
- ۳- سلاح انبیا در برابر مخالفان، منطق قوی و معجزه آشکار است. ﴿سلطان مبین﴾
- ۴- ارکان نظامی، اقتصادی و تبلیغاتی، سبب استکبار و بی‌اعتنایی جبّاران و طاغوت‌ها به ندای حق می‌شود. ﴿فتولّی برکنه﴾
- ۵- منحرفان سعی می‌کنند با زور و قدرت حق‌طلبان را ساکت کرده و آنان را منحرف، ساحر یا مجنون معرفی کنند. ﴿ساحرًا او مجنون﴾
- ۶- قهر الهی، بعد از اتمام حجت است. ﴿سلطان مبین... قال ساحر... فاخذناه...﴾
- ۷- ارتش نباید چشم بسته مطیع هرکسی باشد. قهر الهی لشکریان فرعون را نیز فراگرفت. ﴿فاخذناه و جنوده﴾
- ۸- طاغوت‌ها و تمام نیروهایشان، در برابر قهر الهی بسیار ضعیف و ناچیزند. ﴿فنبذناهم﴾
- ۹- منحرفان، هم گرفتار هلاکت ظاهری می‌شوند و هم ملامت درونی. ﴿اخذناه... و هو ملیم﴾
- ۱۰- قهر خداوند همه‌ی منحرفان را فرامی‌گیرد ولی رهبران فاسد در خور ملامت ویژه‌ای هستند. ﴿و هو ملیم﴾ نفرمود: «و هم ملیمون»

﴿ ۴۱ ﴾ وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ

و در (سرگذشت) قوم عاد نیز آنگاه که بر آنان باد نازا (ویرانگر) فرستادیم (عبرت و نشانه‌هایی است).

﴿ ۴۲ ﴾ مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلْتَهُ كَالرَّمِيمِ

(این باد) هیچ چیزی را که بر آن می‌وزید باقی نمی‌گذاشت مگر آنکه آن را خرد و تباه می‌کرد.

نکته‌ها:

- پیامبر قوم عاد، حضرت هود بود که هرچه قومش را هشدار داد به سخنان او اعتنایی نکردند و زمینه نزول عذاب را فراهم ساختند.
- بادها، گاهی زاینده و عامل رویش می‌باشند «ارسلنا الريح لواقع»^(۱)، «یرسل الريح مبشرات»^(۲) و گاهی نازا و وسیله‌ی ریزش و ویرانگری هستند. «الريح العقيم» یعنی باد ویرانگر. بادی که عامل عذاب قوم عاد بود، به قدری سوزنده و مسموم کننده بود که انسان، حیوان، گیاه و هر چه را در مسیرش قرار داشت، نابود می‌کرد.
- «رمیم» به معنای پوسیدگی است و «ترمیم» یعنی اصلاح پوسیدگی.
- با اینکه قوم عاد بسیار نیرومند و بلند قامت بودند، ولی بادی که از قهر الهی وزید، آنان را مثل استخوان پوسیده خرد و شکننده کرد.

پیام‌ها:

- ۱- پدیده‌های طبیعی همچون باد و باران و آثار مثبت و منفی آنها به دست خداست. «ارسلنا عليهم الريح العقيم»
- ۲- بلايای طبیعی همچون خشکسالی و قحطی، می‌تواند عذاب الهی باشد. «ما تذر من شیء... جعلته كالرميم»
- ۳- آب و باد، لشگر خدا در برابر ظالمان است. «نبذناهم في اليم... الريح العقيم»

﴿ ۴۳ ﴾ وَ فِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ ﴿ ۴۴ ﴾ فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ

و در (سرگذشت) قوم ثمود (نیز نشانه‌های عبرتی است)، آنگاه که به آنان گفته شد تا زمانی (کوتاه، از زندگی) بهره ببرید. آنان از فرمان پروردگارشان سر باز زدند، پس در حالی که می‌نگریستند، صاعقه آنان را فراگرفت.

۱. حجر، ۲۲.

۲. روم، ۴۶.

﴿ ۴۵ ﴾ فَمَا اسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنْتَصِرِينَ

پس، نه توان برخاستن داشتند و نه توانستند از کسی یاری طلبند.

﴿ ۴۶ ﴾ وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ

و پیش از آنان قوم نوح (را هلاک کردیم، زیرا) مردمانی فاسق بودند.

نکته‌ها:

□ پیامبر قوم ثمود، حضرت صالح بود که به درخواست قومش شتری از دل کوه بیرون آورد و فرمان داد به این شتر آسیبی نرسانند، اما آنان شتر را کشتند و صالح را تکذیب کردند.
 □ مراد از «حقّ حین»، مهلت سه روزه‌ای است که به آنان داده شد تا شاید پشیمان شوند و توبه کنند. اما آنان از گناهان دست برنداشتند و پس از سه روز عذاب الهی نازل شد. چنانکه در آیه ۶۵ سوره هود می‌فرماید: «تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْدُوبٍ»

پیام‌ها:

- ۱- سنّت خداوند، مهلت دادن به مجرمان است. «تَمَتَّعُوا حَتَّى حِينٍ»
- ۲- دستورات الهی، برخاسته از ربوبیت او و برای تربیت انسان است. «أَمْرٌ رَبِّهِمْ»
- ۳- تجاوز از حدود الهی، عامل هلاکت است. «فَعْتُوا... فَاخَذْتَهُمْ»
- ۴- آب، باد و صاعقه، می‌تواند ابزار قهر خداوند قرار گیرد. «اليم... الريح... الصاعقة»
- ۵- دیدن نزول عذاب و توان فرار نداشتن، بیانگر اوج ذلّت مجرمان است. «يَنْظُرُونَ... فَا اسْتَطَاعُوا...»
- ۶- کسانی که از گذشتگان عبرت نگیرند، خود مایه عبرت دیگران می‌شوند. «و قوم نوح من قبل...» (قوم عاد از قوم نوح که پیش از آنان بودند، عبرت نگرفتند)
- ۷- سرگذشت قوم نوح، که با هزار سال تبلیغ حضرت نوح، بازهم ایمان نیاورند، برای پیامبر و مسلمانان، مایه‌ی عبرت است. «و قوم نوح من قبل...»
- ۸- بدتر از فسق، مداومت بر فسق است. «كانوا... فاسقين»

۹- گاهی گناه، فراگیر و عمومی می‌شود و زمینه نزول عذاب را فراهم می‌سازد.
﴿قوماً فاسقین﴾

﴿۴۷﴾ وَ السَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ﴿۴۸﴾ وَالْأَرْضَ
فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ

و آسمان را با قدرتی وصف‌ناپذیر بنا کردیم، و ما گسترش دهنده‌ایم. و
زمین را گسترانیدیم، پس چه نیکو گسترش دهنده‌ایم.

﴿۴۹﴾ وَمِن كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

و از هر چیز دو زوج آفریدیم، باشد که یاد کنید و پند گیرید.

نکته‌ها:

□ کلمه «أید» هم می‌تواند جمع «ید» به معنای دست باشد، همانند آیه «أَمْ لَمْ أُبَدِّئِكُم بِبِطْشُونِ بِهَا»^(۱) و هم می‌تواند مصدر، به معنای قوت و قدرت باشد. چنانکه در قرآن از این ریشه، واژه‌های مختلفی به معنای تأیید آمده است، مانند: «هُوَ الَّذِي أُيِّدُكُمْ بِبَنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ»^(۲)
□ کلمات «فرش» و «مهد» به معنای گستردن چیزی برای استراحت است.

پیام‌ها:

- ۱- آسمان در حال گسترش است و این گسترش ادامه دارد. ﴿إِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾
- ۲- قانون زوجیت در همه چیز حاکم است. ﴿مِن كُلِّ شَيْءٍ... زَوْجَيْنِ﴾ (زاینده‌گی و استمرار حیات و زندگی، به خاطر زوجیت است).
- ۳- طرح پدیده‌های طبیعی در قرآن، به خاطر پندآموزی و غفلت‌زدائی است. ﴿لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾

۱. اعراف، ۱۹۵.

۲. انفال، ۶۲.

﴿ ۵۰ ﴾ فَفَرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

پس به سوی خدا بگریزید، که همانا من از سوی او برای شما هشداردهنده‌ای آشکار هستم.

﴿ ۵۱ ﴾ وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ إِنِّي لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

و با خداوند، معبود دیگری قرار ندهید که من از سوی او برای شما هشداردهنده‌ای آشکارم.

نکته‌ها:

□ در این دو آیه، دوبار پی در پی «نذیر مبین» آمده است و در آیات دیگر نیز تعبیراتی از قبیل: «قرآن مبین»^(۱)، «بلاغ مبین»^(۲) و «عربی مبین»^(۳) آمده که همگی بیانگر روشن و روشنگر بودن پیام و سخن خداوند و هشدار پیامبران است.

□ نتیجه فرار به سوی خدا، فرار از ظلمات به نور، از جهل به علم، از دلهره به اطمینان، از خرافات به حق، از تفرقه به وحدت، از شرک به توحید و از گناه به تقوا و پرهیزگاری است. امام باقر علیه السلام سفر حج را یکی از مصادیق فرار به سوی خدا دانستند.^(۴)

پیام‌ها:

۱- انسان محدود، در برابر هزاران مسئله مادی و معنوی و در میان تمایلات حق و باطل که از خود یا دیگران بر او عرضه می‌شود، به پناهگاهی محکم نیازمند است و بهترین پناهگاه خداست. «ففرّوا إلى الله»

۲- انسان، چاره‌ای جز حرکت و گریز به سوی خدا ندارد. «ففرّوا إلى الله»

۳- مطالعه در هستی باید سبب توجّه انسان به خداوند و بندگی او گردد. «ففرّوا إلى الله»، (با توجه به آیات قبل)

۳. شعراء، ۱۹۵.

۲. نحل، ۸۲.

۱. حجر، ۱.

۴. کافی، ج ۴، ص ۲۵۶.

- ۴- راه انبیا، روشن و شفاف است. ﴿نذیر مبین﴾
 ۵- پناهندگی به بیگانگان و غیر خداوند، اثری ندارد. ﴿و لا تجعلوا مع الله...﴾
 ۶- پیامبران مأمور انداز و هشدار مردم هستند. ﴿انی لکم منه نذیر﴾

﴿۵۲﴾ كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ
 مَجْنُونٌ ﴿۵۳﴾ أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ

(ای پیامبر!) بدین گونه (که تو را تکذیب کردند) پیشینیان اینان نیز هیچ
 پیامبری برایشان نیامد مگر آنکه گفتند: جادوگر یا جن زده است. (آیا
 مخالفان در طول تاریخ) به یکدیگر سفارش کرده اند (که با انبیا این گونه
 برخورد کنند؟) نه، بلکه آنان مردمی طغیانگرند.

﴿۵۴﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ

پس، از آنان روی بگردان که تو مورد سرزنش نیستی.

﴿۵۵﴾ وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ

و (به مردم) تذکر بده که قطعاً تذکر برای مؤمنان مفید است.

نکته‌ها:

- آیه ۵۲، به مانند نتیجه‌گیری از آیات گذشته و به عنوان دلداری پیامبر اکرم ﷺ است که اگر مشرکان مکه با تو چنین برخوردهایی می‌کنند، بدان که پیش از اینان نیز با پیامبران پیش از تو چنین برخوردهایی را داشته‌اند.
- از آنجا که پیامبر در دعوت مردم کوتاهی نکرده و حجت خدا را بر آنان تمام کرده است، لذا روی گردانی پیامبر از آنان و ترک مجادله با آنان، سرزنش و ملامتی را به دنبال ندارد.
- این آیات در کنار فرمان به اعراض از کافران طغیانگر، به تذکر دادن به مؤمنان سفارش می‌کند تا گمان نشود که تنها کافران نیاز به هشدار و تذکر دارند. ﴿فتول... و ذکر﴾

□ در شنیدن اثری است که در دانستن نیست. سوز و اخلاص و شیوه بیان گوینده می‌تواند اثری برتر در انسان بگذارد. لذا پیامبر مأمور می‌شود تا پیوسته مؤمنان را تذکر دهد.

پیام‌ها:

- ۱- همه انبیا مخالف داشتند و مورد تهمت قرار می‌گرفتند. پس، از تهمت مخالفان نگران مباش. ﴿كذلك... قالوا ساحر أو مجنون﴾
- ۲- بر خلاف قرآن که پیامبران را انسان‌هایی همچون دیگر انسان‌ها معرفی می‌کند، ﴿قل إنما أنا بشر مثلكم﴾^(۱) مخالفان سعی داشتند کارها و سخنان پیامبران را ناشی از ارتباط آنها با جن بدانند. ﴿ساحر أو مجنون﴾
- ۳- هماهنگی رفتار و گفتار مخالفان انبیا در طول تاریخ به گونه‌ای است که گویا همه به یکدیگر سفارش موضع‌گیری علیه حق و تهمت سحر و جنون را می‌دادند. ﴿أتواصوا...﴾
- ۴- ریشه‌ی تهمت به انبیا، طغیان است. ﴿قوم طاغون﴾
- ۵- انسان در برابر افراد لجوج مسئولیتی ندارد. ﴿فتول﴾
- ۶- پس از تمام حجّت، اعراض از حق ستیزان جایز است. ﴿فتول عنهم فإنت بلموم﴾
- ۷- همه جا، متارکه و رها کردن دیگران کار بدی نیست. ﴿فتول عنهم فإنت بلموم﴾
- ۸- مبلّغ، باید روحیه مخاطبان را بشناسد، نسبت به گروهی اعراض نماید، ﴿فتول﴾ و نسبت به گروهی تذکر دهنده باشد. ﴿وذکر﴾
- ۹- اگر روحیه پندپذیری نداریم، در ایمان خود شک کنیم، زیرا مؤمن پندپذیر است. ﴿فإنّ الذکری تنفع المؤمنین﴾
- ۱۰- اگر ایمان باشد، انسان تذکر را از هر کس می‌پذیرد. ﴿فإنّ الذکری تنفع المؤمنین﴾ و نفرمود: ﴿فإنّ تذکرك﴾
- ۱۱- مبلّغان دینی خسته نشوند که کارشان مفید است. ﴿فإنّ الذکری تنفع...﴾

۱۲- مؤمنان نیز به تذکر نیازمند هستندند. ﴿فَانَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾
 ۱۳- تعالیم ادیان آسمانی، در فطرت انسان‌ها ریشه دارد. وظیفه انبیا، بیدار کردن
 و یادآوری امور فطری بشر است. ﴿ذَكَّرَ فَاِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾

﴿۵۶﴾ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿۵۷﴾ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِّنْ رِّزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونَ

و جن و انس را نیافریدم مگر برای آنکه مرا عبادت کنند. و من از آنان هیچ
 رزقی نمی‌خواهم و نمی‌خواهم که به من طعام دهند.

﴿۵۸﴾ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ

زیرا خداوند است آن روزی رسانِ نیرومند استوار.

نکته‌ها:

- در حدیثی از امام حسین علیه السلام می‌خوانیم: خداوند مردم را نیافرید مگر برای معرفت و شناختن و چون او را شناختند، او را عبادت می‌کنند و هر که او را عبادت کند، از بندگی غیر او بی‌نیاز می‌شود.^(۱)
- جن، قبل از انسان آفریده شده و دارای تکلیف است. در این آیه نیز نامش قبل از انسان آمده است. ﴿و ما خلقت الجن و الانس﴾
- در قرآن، تمام آفرینش بر اساس حق است و هیچ آفریده‌ای باطل نیست، ﴿و ما خلقنا السموات و الارض و ما بینهما الا بالحق﴾^(۲) و همه‌ی آفریده‌ها در مسیر بهره‌مندی انسان است. ﴿خلق لكم﴾^(۳)، ﴿سخر لكم﴾^(۴)، ﴿متاعاً لكم﴾^(۵)
- و انسان نیز برای هدفی متعالی آفریده شده که راه رسیدن به آن، عبادت خدا است. ﴿و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون﴾ البته عبادت معنای عام دارد و به هر کار نیکی که با هدف

۱. تفسیر نمونه.

۲. حجر، ۸۵.

۳. بقره، ۲۹.

۴. جاثیه، ۱۳.

۵. نازعات، ۳۳.

الهی انجام شود، عبادت گفته می‌شود.

سؤال: در قرآن اهداف دیگری، همچون آزمایش و امتحان، برای آفرینش انسان مطرح شده،

آیا آن اهداف با هدفی که در این آیه (۵۶) آمده، هماهنگ است؟

پاسخ: قرآن در آیه دوم سوره مُلک می‌فرماید: ﴿خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾

مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام یک عمل بهتری دارید. و در آیه دوازدهم

سوره طلاق می‌فرماید: ﴿لَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ هدف از آفرینش، علم انسان

به قدرت الهی است.

در جمع‌بندی این آیات به نتیجه می‌رسیم که هدف اصلی، بندگی خداوند است، لیکن

عبادت نیازمند معرفت است که در جمله ﴿لَتَعْلَمُوا﴾ بیان شده است و در عبادت که همان

پذیرفتن راه الهی و رها کردن راه‌های غیر الهی است، انسان آزمایش می‌شود که در جمله

﴿لِيَبْلُوَكُمْ﴾ آمده است.

سؤال: اگر هدف آفرینش بشر عبادت است، پس چرا این هدف بطور کامل تحقق نیافته است؟

پاسخ: بارها خداوند در قرآن فرموده که اگر می‌خواستیم، همه را به اجبار هدایت کرده و به

بندگی خود در می‌آوردیم، اما خداوند بشر را آزاد آفرید، تا آگاهانه و آزادانه، عبادت کند.

سؤال: آیا خداوند به عبادت ما نیازمند است؟

پاسخ: قرآن بارها می‌فرماید: خداوند از هر جهت غنی است، نه تنها از انسان، بلکه از همه

هستی بی‌نیاز است. اگر به ما دستور دادند که منزل خود را رو به آفتاب بسازیم، نباید کسی

گمان کند که خورشید به خانه ما نیاز دارد، این ما هستیم که به نور و انرژی آن محتاجیم. در

این آیات نیز بی‌نیازی خداوند بیان شده است: ﴿مَا أُرِيدُ مِنْكُمْ مِنْ رِزْقٍ﴾

سؤال: اگر خداوند رزاق است، پس چرا به همه رزق یکسان نمی‌دهد؟

پاسخ: رزاق بودن یکی از صفات خداوند است، یکی دیگر از صفات او حکیم بودن است.

یکسان بودن رزق، امری حکیمانه نیست، بلکه باید تابع تلاش و کوشش انسان‌ها باشد.

قرآن می‌فرماید:

﴿فامشوا فی مناكبها﴾^(۱) از دامنه زمین بالا روید و رزق به دست آورید.
 ﴿وابتغوا من فضل اللّٰه﴾^(۲) به سراغ کسب و کار و فضل الهی بروید و داد و ستد کنید.
 چنانکه نباید توقع داشته باشیم معلم به همه شاگردان نمره یکسان بدهد، زیرا علاوه بر معلم بودن و اختیار نمره دادن، حکیم نیز هست و باید میان شاگردان کوشا و بازیگوش، فرق بگذارد.

سؤال: اگر خداوند رزاق است، قحطی‌ها برای چیست؟

پاسخ: گاهی کمبودها جنبه کیفری دارد، چنانکه قرآن در مورد کیفر بنی‌اسرائیل می‌فرماید:
 ﴿بظلم من الذّٰین هادوا حرّما﴾^(۳) به خاطر ظلمی که یهود کردند، بخشی از خوردنی‌ها را بر آنان حرام کردیم.

گاهی جنبه آزمایشی دارد: ﴿ولنبلوّنکم بشیء من الخوف و الجوع﴾^(۴) ما از طریق گرسنگی و ترس و... شما را آزمایش می‌کنیم.

گاهی جنبه تربیتی دارد: ﴿فاخذناهم بالأساء... لعلّهم یتضرّعون﴾^(۵) ما برای تضرّع و برگشت آنان به سوی خداوند، آنها را از طریق ناگواری‌ها گوشمالی می‌دهیم.

و گاهی نتیجه قهری برخورد نادرست انسان با طبیعت است، همچون تخریب جنگل‌ها، آلوده ساختن آب رودخانه‌ها و به هم زدن تعادل محیط زیست که در طول زمان، مشکلات بسیاری از جمله قحطی را بدنبال می‌آورد.

□ اگر ایمان داشته باشیم که رزق از خداست، ریشه‌ی بسیاری از حرص‌ها، بخل‌ها، حيله‌ها، حسدها، کلاهبرداری‌ها و کم‌فروشی‌ها، در انسان می‌خشکد. ﴿انّ اللّٰه هو الرّزاق...﴾

پیام‌ها:

- ۱- جنّ و انس در تکلیف مشترکند. ﴿الجنّ و الانس... ليعبدون﴾
- ۲- عبادت کردن بشر و الهی شدن مردم مهم است، نه عبادت شدن خداوند.

۳. نساء، ۱۶۰.

۲. جمعه، ۱۰.

۱. ملک، ۱۵.

۵. انعام، ۴۲.

۴. بقره، ۱۵۵.

- ﴿لِيعْبُدُونَ﴾ (نفرمود: «لأعبد») تا من عبادت شوم.)
- ۳- لازمه‌ی عبادت، معرفت معبود است، پس آفرینش جن و انس برای شناخت حق و حرکت در راه خداوند است. ﴿لِيعْبُدُونَ﴾
- ۴- انسان در معرض غفلت و نسیان است و باید پیوسته هدفش را به او تذکر داد. ﴿وَذَكِّرْ... مَا خَلَقْتَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ...﴾
- ۵- خداوند بی نیاز است و عبادتی که از جن و انس می‌خواهد، به خاطر احتیاج او نیست بلکه به خاطر رشد آنهاست. ﴿وَمَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ...﴾
- ۶- کسی که خودش رزاق است، چه نیازی به رزق بندگان دارد. ﴿وَمَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ... إِنْ اللَّهُ هُوَ الرَّزَّاقُ﴾
- ۷- تمام امکانات و تخصص‌ها و ابزارها، وسیله و بستر رسیدن به رزق است ولی روزی رسان تنها خداست. ﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ﴾
- ۸- خداوند در توان روزی‌رسانی کمبودی ندارد. ﴿هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ﴾
- ۹- با گذشت زمان، قدرت روزی‌رسانی خداوند کمرنگ نمی‌شود. ﴿الْمَتِينِ﴾ («متین» به معنای ثابت و استوار است)

﴿۵۹﴾ فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ

پس به تحقیق برای کسانی که ظلم کردند، سهم و نصیبی (از عذاب) همانند سهم هم مسلمانان است، پس از من درخواست شتاب نکنند (که به آن خواهند رسید).

﴿۶۰﴾ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ

پس وای بر کسانی که کفر ورزیدند، از روزی که وعده داده می‌شوند.

نکته‌ها:

□ «ذُنُوب» در اینجا به معنای سهم و نصیب است.^(۱)

۱. علت مکسور بودن «یستعجلون» این است که در اصل «یستعجلونی» بوده است و کسره

□ آغاز سوره با «توعدون» بود و پایان آن با «یوعدون» و این نشان می‌دهد که هدف این سوره بیان مسئله معاد بوده است.

□ این آیات می‌فرماید: ستمکاران این امت نیز نصیبی از عذاب ندارند، همانند نصیب هم مسلکانشان در امت‌های دیگر که به هلاکت رسیدند. پس چه عجله‌ای دارند که می‌گویند: زودتر عذاب ما را بیاور! ^(۱)

□ در فرهنگ قرآن، شرک و کفر، بزرگ‌ترین ظلم محسوب می‌شود، ظلم به خدا که مخلوقش در کنار او یا به جای او قرار گیرد، ظلم به خود که به جای خالق، سراغ مخلوق می‌رود و ظلم به خانواده که از شناخت حق و پیروی آن محروم می‌گردند.

علامه طباطبایی می‌فرماید: مراد از ظلم در ﴿لَّذِينَ ظَلَمُوا﴾ در آیه ۵۹، با توجه به ﴿لَّذِينَ كَفَرُوا﴾ در آیه ۶۰، ظلم کفر است، نه ظلم به مردم.

□ گرچه گفته شده که مراد از ﴿يَوْمَ هَمَّ لُذِي يُوْعَدُونَ﴾ ممکن است روز جنگ بدر باشد (عذاب دنیوی)، ولی به احتمال قوی مراد روز قیامت است (عذاب اخروی). ^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- کسی که خدا را عبادت نکند و خود را در مسیر هدفی که برای آن آفریده شده قرار ندهد، ظالم، بلکه کافر است. ﴿الَّا لِيَعْبُدُونَ... لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا... كَفَرُوا﴾
- ۲- سنت الهی درباره ستمگران، در طول تاریخ یکسان است. ﴿ذُنُوبًا مِّثْلَ ذُنُوبِ اصْحَابِهِمْ﴾
- ۳- تاریخ گذشتگان، بهترین گواه بر حتمی بودن کیفر ستمگران است. ﴿ذُنُوبًا مِّثْلَ ذُنُوبِ اصْحَابِهِمْ﴾
- ۴- کارهای مشابه، کیفرهای مشابه دارد. ﴿مِثْلَ ذُنُوبِ اصْحَابِهِمْ﴾
- ۵- رفتارهای مشابه، افراد را به یکدیگر پیوند می‌دهد. ﴿مِثْلَ ذُنُوبِ اصْحَابِهِمْ﴾

۱. تفسیر المیزان.

⇒ دلالت بر حذف «ی» دارد.

۲. تفسیر المیزان.

- ۶- قهر و لطف خداوند زمان بندی حکیمانه دارد، عجله و شتاب ما در آن اثری ندارد. ﴿فلا يستعجلون﴾
- ۷- سرنوشت انسان در گرو اعمال اوست. (ظلم و کفر، سبب عذاب الهی است.)
﴿فویل للذین کفروا...﴾
- ۸- آینده نگری، انسان را از کفر و ظلم بازمی دارد. ﴿فویل للذین کفروا من یومهم الذی یوعدون﴾

«والحمد لله رب العالمین»